



## فرجام گفت و گوهای صلح چه خواهد بود؟

گفت و گوهای صلح برای کشاندن گروه طالبان از سنگرهای داغ نبرد در میز مذاکره و چانه زنی روی تشکیل ساختار سیاسی و چگونگی حضور طیف‌های سیاسی در بدنه‌ی قدرت اداری\_سیاسی کشور، نزدیک به شش ماه است که با شدت تمام انجام می‌شود. این گفت و گوها در نوع خود کم سابقه‌ترین تلاش برای رسیدن به ثبات سیاسی در افغانستان بوده و تاریخ سیاسی کشور کم‌تر نمونه‌ای از این تلاش‌ها را شاهد می‌باشد.

صفحه ۶

## «جرگه مشورتی صلح ۳۶۹ میلیون افغانی هزینه می‌برد»

وزارت مالیه کشور می‌گوید: جرگه مشورتی صلح ۳۶۹ میلیون افغانی هزینه می‌برد که قرار است از کد ۹۱ ریاست جمهوری پرداخته شود. ضیا الحق امرخیل، معاون کمیسیون برگزاری جرگه مشورتی صلح گفته است که برای برگزاری این جرگه تمامی آمادگی‌ها گرفته شده و قرار است این جرگه به تاریخ نهم ثور ۱۳۹۸ برای سه روز با اشتراک ۲ هزار تن در کابل برگزار شود. آقای امرخیل هم‌چنان افزوده که رهبران حکومت عضویت این جرگه را ندارند و به صفت مهمان در این جرگه اشتراک خواهند کرد. امرخیل اضافه کرده که اعضای این جرگه از ۲۳ بخش تشکیل خواهد شد، که در آن احزاب، نهادهای جامعه‌ی مدنی، بزرگان اقوام و اعضای شورای ملی حضور خواهند داشت. شماری از بزرگان سیاسی و شهروندان کشور از رهبران حکومت وحدت ملی می‌خواهند که در مصرف بودجه این جرگه از شفافیت کار گرفته و به فیصله‌های این نشست احترام گذاشته شود.

## دو انفجار در شهر جلال آباد ۲۱ کشته و زخمی برجای گذاشت

به نقل از اطلاعات روز، منابع محلی در ولایت ننگرهار می‌گویند که در دو انفجار پی‌هم در ناحیه‌ی چهارم شهر جلال‌آباد، مرکز این ولایت سه غیرنظامی به‌شمول دو زن کشته و ۱۹ نفر دیگر به شمول یازده غیرنظامی و هشت نظامی زخمی شده‌اند. عطالله خوگیا، سخنگوی والی ننگرهار به روزنامه اطلاعات روز گفته است، که این دو انفجار حوالی ساعت ۱۰:۳۰ روز گذشته (شنبه، ۱۷ حمل) در جاده‌ی چهل متره از مربوطات ناحیه‌ی چهارم شهر جلال‌آباد رخ داده است.

سخن‌گویی والی ننگرهار همچنان افزوده که در میان زخمی‌شدگان یازده غیرنظامی (چهار زن، دو کودک و پنج مرد بزرگ‌سال) و هشت نظامی (دو سرباز ترافیک، سه سرباز مرزی و سه سرباز امنیت ملی) شامل‌اند. فرد یا گروهی تا کنون مسئولیت این رویدادها را بر عهده نگرفته است.

گفتنی است که صبح روز گذشته، یک انفجار دیگر در ناحیه‌ی دوم شهر جلال‌آباد رخ داده بود که در آن دو سرباز مرزی زخمی شدند. به گفته‌ی سخن‌گویی والی ننگرهار، این انفجار نیز ناشی از مواد انفجاری جاسازی‌شده در کنار جاده بوده و یک عراده موتر رنجر نیروهای مرزی را هدف قرار داده است.

مسئولیت این رویداد را نیز تا کنون کسی بر عهده نگرفته است.

ولایت ننگرهار در شرق افغانستان یکی از ناامن‌ترین ولایات کشور است که گروه‌های تروریستی داعش و طالبان در بخش‌های آن حضور و فعالیت دارند. این ولایت اخیرا شاهد ناامنی‌های گسترده در سطح ولسوالی‌ها و مرکز آن بوده است. گروه داعش که سال گذشته رئیس‌جمهور اشرف غنی شکست کامل این گروه در ننگرهار را اعلام کرده بود، نیز اخیرا فعالیت‌هایی داشته است.

## سپاه پاسداران ایران فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا اضافه خواهد شد

بر اساس گزارش‌ها آمریکا در نظر دارد سپاه پاسداران ایران را به فهرست سازمان‌های تروریستی خود اضافه کند. سه مقام آمریکایی اعلام کرده‌اند که این کشور در نظر دارد سپاه پاسداران ایران را به فهرست سازمان‌های «تروریستی» خود اضافه کند. خبرگزاری رویترز گزارش داده که این تصمیم احتمالا روز دوشنبه از سوی وزارت خارجه‌ی آمریکا اعلام خواهد شد. طرح احتمالی آمریکا برای «تروریستی» خواندن سپاه پاسداران ایران در حالی مطرح می‌شود که دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا نزدیک به یک سال پیش از توافق هسته‌ای با ایران خارج شده بود. قسرسفید و وزارت خانه‌های دفاع و خارجه‌ی آمریکا تا کنون در این مورد اظهار نظر نکرده‌اند.

## یک گروپ مسلح غیرمسوول با ۱۷ میل سلاح در ولایت بلخ بازداشت شدند

کرده بود که پس از این افراد مسلح غیرمسوول و زورگو در هیچ ولایت کشور گشت و گذار نمی‌توانند. این وزارت به تاریخ ۱۹ دلو سال گذشته در اعلامیه‌ای گفته بود: «به‌منظور تأمین امنیت مردم با عزت افغانستان، با جدیت و وضاحت ابلاغ می‌گردد که افراد مسلح غیرمسئول، قانون شکن و زورگو، پس از این در هیچ ولایت کشور گشت و گذار کرده نمی‌توانند.»

در اعلامیه هم‌چنان گفته شده است، که افراد بازداشت شده در اخلال امن و نظم عامه در بلخ نقش داشته‌اند. در اعلامیه اضافه شده که از نزد این افراد ۱۷ میل سلاح مختلف‌النوع همراه با ۱۰۰ عدد ساژور مملو از مرمی، مقداری تجهیزات نظامی و ۱۳ عراده موتر بدون اسناد نیز به دست آمده است. این افراد در حالی بازداشت شده‌اند که وزارت داخله پیش از این اعلام

وزارت داخله‌ی کشور با نشر اعلامیه‌ای، از بازداشت ۳۴ فرد مسلح غیرمسوول با مقداری مهمات، سلاح و موترهای بدون اسناد در ولایت بلخ خبر داده است. در اعلامیه‌ی این وزارت که روز گذشته (شنبه، ۱۷ حمل) منتشر شده، آمده است که این افراد در نتیجه‌ی عملیات نیروهای قطعات خاص پولیس از مربوطات شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ بازداشت شده‌اند.



### پروسه‌ی پر ماجرا؛

### چرا پرونده‌ی انتخابات پارلمانی بسته نمی‌شود؟

با وجود آن که از تاریخ برگزاری انتخابات پارلمانی ۲۸ و ۲۹ میزان سال گذشته، نزدیک به شش ماه می‌گذرد، تا هنوز اما بر خلاف قانون اساسی و قوانین مرتبط به انتخابات، نتیجه‌ی نهایی این انتخابات اعلام نشده است. این در حالی است، که بر اساس اطلاعات از درون کمیسیون‌های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی، امکان اعلام نتیجه‌ی نهایی ولایات باقی‌مانده، در آینده‌ی نزدیک ممکن نیست و احتمال آن می‌رود، که این پروسه روزهای زیادی را در بر گیرد...

صفحه ۶

### ظرفیت‌های توسعه‌ی پایدار روستایی در افغانستان

۲- استفاده‌ی موثر آب‌های جاری و زیر زمینی افغانستان کشوری با منابع سرشار آب است؛ با وجود این واقعیت، اما یکی از حوزه‌های که کم‌ترین سرمایه‌گذاری و تولید دانش تخصصی در زمینه‌ی آن صورت گرفته، همین عرصه است. بر اساس پیش‌بینی‌های نهادهای معتبر بین‌المللی و سازمان ملل متحد، در آینده‌ی نزدیک، بخش بزرگ از نیازات جهان بر سر منابع آب‌های شرب خواهد بود. به دلیل عدم انکشاف لازم این سکور و فقدان ظرفیت تخصصی در زمینه، دولت افغانستان...

صفحه ۶

### چرا احزاب سیاسی در افغانستان رشد نمی‌کنند؟

احزاب سیاسی به عنوان اصلی‌ترین کانون‌های دموکراسی امروزی، در کشورهای توسعه‌یافته، دارای نقش و اهمیت اساسی بوده و در واقع تعیین‌کننده‌ی ساختار قدرت سیاسی و تشکیل‌دهنده‌ی گفتمان اعمال دموکراتیک می‌باشد. احزاب سیاسی دارای تقسیمات گوناگون بوده که از آن جمله می‌توان به احزاب کدري و احزاب توده‌ای اشاره کرد. احزاب کدري بیشتر در پارلمان حضور داشته و دست به ائتلاف‌های پارلمانی می‌زنند؛ این احزاب به علت کوچک بودن...

صفحه ۶

گپ مردم

## پروسه‌ی پر ماجرا؛ چرا پرونده‌ی انتخابات پارلمانی بسته نمی‌شود؟

پروسه‌ی پر ماجرا؛ چرا پرونده‌ی انتخابات پارلمانی بسته نمی‌شود؟ با وجود آن که از تاریخ برگزاری انتخابات پارلمانی ۲۸ و ۲۹ میزان سال گذشته، نزدیک به شش ماه می‌گذرد، تا هنوز اما بر خلاف قانون اساسی و قوانین مرتبط به انتخابات، نتیجه‌ی نهایی این انتخابات اعلام نشده است. این در حالی است، که بر اساس اطلاعات از درون کمیسیون‌های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی، امکان اعلام نتیجه‌ی نهایی ولایات باقی‌مانده، در آینده‌ی نزدیک ممکن نیست و احتمال آن می‌رود، که این پروسه روزهای زیادی را در بر گیرد. در سوی دیگر ماجرا، دادستانی کل کشور به رسانه‌ها گفته است؛ به دلیل گسترده‌بودن شکایات و اتهام‌ها بر اعضای پیشین کمیسیون‌های انتخاباتی، تا هنوز بررسی‌ها در این مورد پایان نیافته و تحقیقات این نهاد از کمیشنران و ریسان دارالانشاهای پیشین هر دو کمیسیون هم‌چنان ادامه دارد. با توجه به این دو مورد در پیوند به انتخابات پارلمانی ۲۸ و ۲۹ میزان سال گذشته، یادآوری سرنگه مهم و حایز اهمیت است.

یکم: آن‌چه بر سر انتخابات پارلمانی کشور آمده است، قبل از قبل، قابل پیش‌بینی بود. از آغاز روند توزیع استیکرها و بعد از آن ثبت معلومات رأی‌دهندگان در بانک اطلاعاتی کمیسیون و سپس چاپ فهرست نهایی رأی‌دهندگان و در نهایت استفاده‌ی نمایشی از فناوری بیومتریک در پروسه‌ی انتخابات، همه و همه هرگز با استانداردهای لازم برابر نبودند. در روزهای پس از برگزاری انتخابات، روند شمارش آرا به سوی رفت، که آخرین فرصت‌های بازگرداندن اعتماد به پروسه‌ی انتخابات را به باد فنا داد. مضاف بر این موارد، چگونگی اعلام نتیجه‌ی ابتدایی و بازشماری آرای ولایت کابل و چند حوزه‌ی دیگر، چرخه‌ی تقلب و دست‌برد به آرای شهروندان را تکمیل کرد و به مافیای اقتصادی فرصت خرید و فروش آرا را داد. با این وجود، آن‌چه تا اکنون بر سر انتخابات پارلمانی کشور گذشته است، هرگز قابل توجه نیست.

دوم: رهبری حکومت پس از بالا گرفتن اتهامات بر اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی، تمامی کمیشنران و ریسان دارالانشاهای هردو کمیسیون را از وظایف‌شان بر طرف، ممنوع‌الخروج و به دادستانی کل معرفی کرد. نزدیک به دو ماه می‌شود که تحقیقات از اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی جریان دارد، اما قدر مسلم این است، که به دلیل گسترده‌بودن اتهامات وارده بر آنان، تا هنوز نتیجه‌ی این تحقیقات با شهروندان افغانستان شریک نشده است. اکنون حرف این است، آیا نتیجه‌ی انتخاباتی که در بالا شرح آن رفت، برای مردم و کاندیدان پارلمان، قابل پذیرش خواهد بود؟

سوم: از روزی که تیم جدید در رأس کمیسیون‌های انتخاباتی قرار گرفته‌اند، زمان زیادی می‌گذرد. توقع مردم این بود، که تیم جدید، در کم‌ترین زمان ممکن پرونده‌ی انتخابات پارلمانی را بسته کنند و گام‌های عملی را برای برگزاری به موقع، بی‌نقص و سالم انتخابات ریاست‌جمهوری بر دارند. اما آن گونه که دیده می‌شود، تیم جدید نیز با ضعف مدیریتی روبه‌رو بوده و از تجربه‌ی کافی انتخاباتی بر خوردار نیستند. این در حالی است، که بر اساس اطلاعات از درون کمیسیون، کار روی نتیجه‌ی نهایی ولایت کابل و چند ولایت دیگر جریان دارد و معلوم نیست که نتیجه‌ی بررسی‌ها چه می‌شود. با این اوصاف پرسش‌های که مطرح می‌شود، این‌ها است؛ آیا بررسی‌های تیم جدید، می‌تواند شفافیت نسبی را به پروسه‌ی انتخابات پارلمانی باز گرداند؟ میزان تقلب در انتخابات به کدام پیمانچه بوده است؟ تیم جدید با کدام طرز‌العمل اوراق نتایج مشکوک را از اوراق نتایج سالم جدا می‌کنند؟ و در نهایت پارلمان جدید که از دل انتخابات معیوب ۲۸ و ۲۹ میزان بیرون می‌آید، مشروعیت خواهد داشت؟

# فرجام‌گفت‌وگوهای صلح چه خواهد بود؟



## اجماع ملی پیرامون پروسه‌ی صلح نیازمند فرصت‌های زمانی و هموارسازی بسترهای فرهنگی بوده تا با رعایت حقوق شهروندی و احترام سیاسی به تمامی اقوام ساکن در کشور، این پروسه به موفقیت رسیده و ظرفیت‌های خشونت سازمان‌یافته از خاک افغانستان برای همیشه برچیده شود.

اما در کابل، گمانه‌زنی‌ها متفاوت و دیدگاه‌ها متناقض است. برخی معتقد به گفت‌وگوهای بین‌افغانی و ترسیم مسیر مشترک با حضور نمایندگان حکومت در پروسه‌ی صلح اند و برخی دیگر صلح و تلاش‌های آن را ناکام و بی‌نتیجه می‌خوانند. به باور گروه دوم، پروسه‌ی صلح و ابعاد مختلف آن، زمانی می‌تواند نتیجه‌ی ملموس و قابل توجه داشته باشد، که در آن تمامی طیف‌ها و ظرفیت‌های سیاسی و ملی افغانستان حضور داشته و با مشارکت عمومی و تعیین نقش سازنده‌ی رهبران سیاسی کشور، این پروسه دنبال گردد.

مقوله‌ی امروزی و مبتنی بر واقعیت‌های موجود تلقی می‌گردد، این نکته است، که افغانستان در شرایط حساس تاریخی رسیده و این شرایط نیازمند درک و فهم مشترک تمامی اقوام ساکن در کشور و حضور آنان در مراکز و بنگاه‌های تصمیم‌گیری جمعی بوده، تا اوضاع نابسامان کنونی مدیریت و بحران به وجود آمده، مهار گردد. باین وصف به نظر می‌رسد، که برآیند گفت‌وگوهای صلح به علت مبهم بودن و پیچیده‌بودن ابعاد سیاسی و استخباراتی‌اش برای آینده‌ی پروسه‌ی دولت‌سازی و پروسه‌های دموکراتیک دیگر در افغانستان نتیجه‌بخش نبوده و نمی‌تواند حد اقل توافق تمامی طیف‌ها و ظرفیت‌های مردمی را در کشور تأمین نماید. با این وجود آینده‌ی ثبات سیاسی در افغانستان غیر قابل پیش‌بینی و نگران‌کننده بوده و در شرایط کنونی باید تمامی طیف‌ها و شخصیت‌های کلان ملی برای مدیریت بحران و جلوگیری از برآیند مبهم این پروسه به صورت جدی و عملی اقدام نموده و برای حمایت از دست‌آوردهای مردم افغانستان تلاش‌های همه‌جانبه نمایند.

حکومت وحدت ملی دیدار و گفت‌وگو نموده است؛ اما واقعیت موجود این است که هیچ یک از رهبران سیاسی کشور به شمول حکومت وحدت ملی از جریان گفت‌وگوها آگاهی کامل نداشته و نمی‌دانند سرنوشت سیاسی‌شان در قطر و آن هم در پشت درب‌های بسته چگونه تعیین شده است/ می‌شود؟

اما در کابل، گمانه‌زنی‌ها متفاوت و دیدگاه‌ها متناقض است. برخی معتقد به گفت‌وگوهای بین‌افغانی و ترسیم مسیر مشترک با حضور نمایندگان حکومت در پروسه‌ی صلح اند و برخی دیگر صلح و تلاش‌های آن را ناکام و بی‌نتیجه می‌خوانند. به باور گروه دوم، پروسه‌ی صلح و ابعاد مختلف آن، زمانی می‌تواند نتیجه‌ی ملموس و قابل توجه داشته باشد، که در آن تمامی طیف‌ها و ظرفیت‌های سیاسی و ملی افغانستان حضور داشته و با مشارکت عمومی و تعیین نقش سازنده‌ی رهبران سیاسی کشور، این پروسه دنبال گردد. این در حالی است، که تلاش‌های آمریکا برای قانع ساختن گروه طالبان و کشاندن آن‌ها در میز مذاکره، تنها به منظور کاهش هزینه‌های ملی و اکمالاتی نیروهای نظامی آمریکا در افغانستان خوانده شده است. بر اساس گزارش‌ها، دولت آمریکا تصمیم گرفته است تا هزینه‌های سنگین نظامی و امنیتی را در افغانستان کاهش داده و به حد اقل برساند.

با این وجود، آن‌چه عمده‌ترین نگرانی مردم افغانستان، نخبگان سیاسی، شخصیت‌های فرهنگی و بنگاه‌های اکادمیک را تشکیل می‌دهد، برآیند پروسه‌ی صلح و حضور نیروهای طالبان در بدنه‌ی نظام سیاسی است. این که آیا با خروج نیروها و قوت‌های خارجی از کشور، افغانستان دوباره جولان‌گاه خشونت و دهشت شده و تمامی دست‌آوردهای ۱۸ ساله‌ی کشور که با جان‌فشانی‌ها قربانی‌های انسانی، مالی، تسلیحاتی و فرهنگی مردم کشور به دست آمده است، نابود شده و هسته‌های کوچک و ریز مقاومت‌های فرهنگی، کانون‌های سیاسی، بنگاه‌های علمی، مراکز تقویت حقوق شهروندی، مراجع مسول نظام‌سازی و بنیادهای مدنی-اجتماعی از بین خواهد رفت؟

حکومت وحدت ملی دیدار و گفت‌وگو نموده است؛ اما واقعیت موجود این است که هیچ یک از رهبران سیاسی کشور به شمول حکومت وحدت ملی از جریان گفت‌وگوها آگاهی کامل نداشته و نمی‌دانند سرنوشت سیاسی‌شان در قطر و آن هم در پشت درب‌های بسته چگونه تعیین شده است/ می‌شود؟

اما در کابل، گمانه‌زنی‌ها متفاوت و دیدگاه‌ها متناقض است. برخی معتقد به گفت‌وگوهای بین‌افغانی و ترسیم مسیر مشترک با حضور نمایندگان حکومت در پروسه‌ی صلح اند و برخی دیگر صلح و تلاش‌های آن را ناکام و بی‌نتیجه می‌خوانند. به باور گروه دوم، پروسه‌ی صلح و ابعاد مختلف آن، زمانی می‌تواند نتیجه‌ی ملموس و قابل توجه داشته باشد، که در آن تمامی طیف‌ها و ظرفیت‌های سیاسی و ملی افغانستان حضور داشته و با مشارکت عمومی و تعیین نقش سازنده‌ی رهبران سیاسی کشور، این پروسه دنبال گردد. این در حالی است، که تلاش‌های آمریکا برای قانع ساختن گروه طالبان و کشاندن آن‌ها در میز مذاکره، تنها به منظور کاهش هزینه‌های ملی و اکمالاتی نیروهای نظامی آمریکا در افغانستان خوانده شده است. بر اساس گزارش‌ها، دولت آمریکا تصمیم گرفته است تا هزینه‌های سنگین نظامی و امنیتی را در افغانستان کاهش داده و به حد اقل برساند.

با این وجود، آن‌چه عمده‌ترین نگرانی مردم افغانستان، نخبگان سیاسی، شخصیت‌های فرهنگی و بنگاه‌های اکادمیک را تشکیل می‌دهد، برآیند پروسه‌ی صلح و حضور نیروهای طالبان در بدنه‌ی نظام سیاسی است. این که آیا با خروج نیروها و قوت‌های خارجی از کشور، افغانستان دوباره جولان‌گاه خشونت و دهشت شده و تمامی دست‌آوردهای ۱۸ ساله‌ی کشور که با جان‌فشانی‌ها قربانی‌های انسانی، مالی، تسلیحاتی و فرهنگی مردم کشور به دست آمده است، نابود شده و هسته‌های کوچک و ریز مقاومت‌های فرهنگی، کانون‌های سیاسی، بنگاه‌های علمی، مراکز تقویت حقوق شهروندی، مراجع مسول نظام‌سازی و بنیادهای مدنی-اجتماعی از بین خواهد رفت؟

## «رییس آی‌اس‌آی در معیت رهبری دولت مجاهدین در مرز دیورند»

«پس از تلاش نواز شریف صدراعظم پاکستان و شهزاده ترکی الفیصل رییس سازمان استخبارات عربستان سعودی، گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی به برقراری آتش‌بس موقت در کابل موافقه کرد. جنگ میان او و نیروهای احمدشاه مسعود که هر دو طرف، حمایت جناح‌های رقیب و متخاصم خلق و پرچم و قوت‌های ملیشایی رژیم مخلوع را با خود داشتند، در سحرگاه ۲۵ اپریل ۱۹۹۲ (پنج‌م‌نور ۱۳۷۱) بر سر کنترل پایتخت آغاز شده بود. حکمتیار عصر آن روز در یک کنفرانس خبری با ژورنالیستان در پشاور که از طریق مخابره (بی‌سیم) سخن گفت، از تصرف پایتخت و سقوط حکومت حزب دموکراتیک خلق خبر داد. در حالی که روز قبل تنظیم‌های مجاهدین به شمول نمایندگان حکمتیار توافق خود را بر سر تشکیل حکومت انتقالی مجاهدین اعلان کرده بودند. اما گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی در این کنفرانس خبری اظهار داشت که: «در مورد شورای قیادی و حکومت انتقالی که در پشاور ساخته شده، باید بگویم که زمان آن شورای قیادی و اداری انتقالی سپری شده، فکر نمی‌کنم که آن‌ها خود در اندیشه‌ی ورود به کابل باشند.»

نکته‌ی جالب و قابل ذکر این است که گلبدین هشت سال بعد در تهران وقتی حوادث و وقایع آن روز را نوشت، برخلاف اظهارات آن روز به خبرنگاران در مورد حکومت انتقالی مجاهدین گفت: «من در کنفرانس مطبوعاتی آن روز (۵ نور ۱۳۷۱) گفتم؛ عجلت‌ن اقتدار به اتفاق تنظیم‌های جهادی به حکومت موقت سپرده می‌شود و در جریان شش ماه انتخابات برگزار می‌گردد. توافقاتی که در این رابطه میان رهبران احزاب و نماینده‌ی حزب اسلامی صورت گرفته، مورد تأیید ما بوده و نسبت به آن التزام می‌ورزیم.»

روی هم رفته توافق حکمتیار با آتش‌بس در کابل، راه را به ورود صبغت‌الله مجددی و هیأت همراهش باز کرد. مجددی صبح‌گاه ۲۷ اپریل ۱۹۹۲ با کاروان بزرگی از اعضای شورای انتقال قدرت و ده‌ها نفر اعضای احزاب اسلامی مجاهدین، پشاور را به مقصد کابل ترک کرد. در منطقه‌ی تورخم، مرز افغانستان و پاکستان، ژنرال جاوید ناصر رییس استخبارات نظامی ارتش پاکستان، صبغت‌الله و همراهانش را بدرقه نمود. در حالی که کاروان صبغت‌الله مجددی، رییس حکومت انتقالی مجاهدین در چند صد متری مرز تورخم رسیده بود، چرخ‌بال حامل ژنرال جاوید ناصر، رییس استخبارات نظامی پاکستان (ISI) به آن محل فرود آمد. ژنرال ناصر، رییس و اعضای حکومت انتقالی مجاهدین را تا داخل دروازه‌ی سرحدی تورخم در خاک افغانستان همراهی کرد.

اما چرا رییس حکومت انتقالی مجاهدین را به‌جای یک مقام بلند رتبه‌ی دولت پاکستان، رییس استخبارات ارتش آن کشور تا مرز همراهی نمود؟ شاید هدف ژنرال جاوید ناصر آن بود تا دنیا حرکت آن روز او را در تورخم با حرکت ژنرال بوریس گروموف، قوماندان نیروهای شوروی که در فبروری ۱۹۸۸ در حیرتان انجام داد، به مقایسه بگیرد و شاید رییس (ISI) خواست تا پیروزی سازمان خود را در جنگ افغانستان علیه شوروی و دولت مورد حمایت آن به نمایش بگذارد.

روی هم رفته استقبال و همراهی رییس استخبارات نظامی پاکستان با رییس حکومت انتقالی مجاهدین تا مرز دو کشور مبین بی‌اعتنایی ژنرالان پاکستانی به دولت مجاهدین بود. از جانب دیگر، ISI و رییس آن علی‌رغم این بدرقه و استقبال از حکومتی که بنام حکومت مجاهدین قدرت را در کابل تحویل می‌گرفت، رضایت نداشت. به قول احمد رشید خبرنگار و نویسنده‌ی پاکستانی «پس از سال ۱۹۹۲ رییس ISI ژنرال «جاوید ناصر» که از طرف نواز شریف منصوب شده و از طرف‌داران جهاد افغانستان بود، به حمایت از حکمتیار ادامه می‌داد و در عین حال سعی می‌کرد سایر رهبران جنگی را نیز تا حدی در نظر داشته باشد.»

منبع: محمد اکرام اندیشمند، ما و پاکستان، نشر پیمان، چاپ اول، سال ۱۳۸۶، صص ۱۳۴-۱۳۳

## ظرفیت‌های توسعه‌ی پایدار روستایی در افغانستان

ایجاد بندهای آب‌گردان و نوسازی و بازسازی شبکه‌های آبیاری در سطح روستاهای کشور رابطه مستقیم به سطح زندگی روستائیان داشته و می‌تواند عامل و محرک توسعه‌ی روستایی باشد. برق ثابت و مطمئن باعث به حرکت درآمدن صنایع کوچک و زود بازده محلی گردیده که زمینه را برای رشد صنعت در کشور مهیا می‌سازد.

بهنود رضایی

بخش دوم

**۲- استفاده‌ی موثر آب‌های جاری و زیر زمینی**  
افغانستان کشوری با منابع سرشار آب است؛ با وجود این واقعیت، اما یکی از حوزه‌های که کم‌ترین سرمایه‌گذاری و تولید دانش تخصصی در زمینه‌ی آن صورت گرفته، همین عرصه است. بر اساس پیش‌بینی‌های نهادهای معتبر بین‌المللی و سازمان ملل متحد، در آینده‌ی نزدیک، بخش بزرگ از منازعات جهان بر سر منابع آب‌های شیرین خواهد بود. به دلیل عدم انکشاف لازم این سکور و فقدان ظرفیت تخصصی در زمینه، دولت افغانستان تا هنوز قادر نشده است، که از منابع آبی خویش به صورت درست استفاده نماید.

به طور عمده، منابع آبی افغانستان به دو بخش تقسیم گردیده است. که یکی آن را منابع آب‌های سطحی مانند رودخانه‌ها، نهرا، کانال‌ها، تالاب‌ها، جهیل‌ها، برف و یخچال‌ها و بندهای آبی تشکیل داده و دیگر آن، منابع آب‌های زیر زمینی مانند کاریزها، چشمه‌ها و چاه‌ها را شامل می‌شود. ظرفیت سالانه‌ی منابع آب‌های سطحی که منبع آن اکثر برف، یخچال و باران می‌باشد، حدود ۴۹.۲۳ میلیارد متر مکعب و ظرفیت منابع آب‌های زیر زمینی آن حدود ۱۷.۱ میلیارد متر مکعب بالغ شده و مجموع هر دو منبع مذکور حدود ۶۶.۳۳ میلیارد متر مکعب می‌باشد.

آب یکی از ماده‌های حیاتی در زندگی بشر می‌باشد. استفاده‌ی به‌جا و موثر از منابع آبی کشور می‌تواند، محرک رشد اقتصادی و منبع ثابت و پایدار انرژی باشد. حکومت باید در قسمت آب‌های کشور برنامه‌ی جامع و ملی را روی دست بگیرد، تا از خطرات احتمالی که در آینده بر سر کمبود آب‌های شیرین به‌وجود خواهد آمد، جلوگیری نموده و کشور در بحران کم‌آبی قرار نگیرد. چنان‌چه که مسوولان وزارت انرژی و آب در پنجمین کنفرانس ملی آب گفته است، که «در طی ۴۰ سال اخیر به دلیل جنگ و ناامنی، نداشتن استراتژی مناسب و برنامه‌های جامع برای توسعه و مدیریت آب و به علت از بین رفتن منابع یخچالی و برفی در پی تغییرات اقلیمی، ذخایر آب‌های



سطحی و زیر زمینی کشور کاهش یافته است. افغانستان دارای ظرفیت خوب منابع آبی زراعتی و انرژی است، که میزان آب‌های سطحی تجدید پذیر به ۴۹ میلیارد متر مکعب، میزان آب‌های زیر زمینی به ۱۷ میلیارد متر مکعب، ظرفیت تولید انرژی برق آبی به ۲۳ هزار میگاوات و وسعت زمین‌های قابل کشاورزی به ۷ میلیون هکتار می‌رسد.»

یکی از زیر ساخت‌های اساسی و بنیادی که باید روی آن سرمایه‌گذاری صورت بگیرد، منبع آبی کشور است. حکومت با ایجاد بندهای آبی جهت تولید برق می‌تواند ضرورت کشور را در قسمت تامین انرژی برق مورد نیاز برطرف ساخته و هم‌چنان ظرفیت این وجود دارد تا مزاد برق تولید شده را به کشورهای همسایه صادر نماید، که می‌تواند یک منبع خوب عایداتی باشد. این در حالی است، که حکومت افغانستان نه تنها از تولید برق درآمد مالی ندارد، بلکه سالانه میلیون‌ها دالر را جهت خریداری برق به تولیدکنندگان برق در خارج از کشور می‌پردازد.

ایجاد بندهای آب‌گردان و نوسازی و بازسازی

شبکه‌های آبیاری در سطح روستاهای کشور رابطه مستقیم به سطح زندگی روستائیان داشته و می‌تواند عامل و محرک توسعه‌ی روستایی باشد. برق ثابت و مطمئن باعث به حرکت درآمدن صنایع کوچک و زود بازده محلی گردیده که زمینه را برای رشد صنعت در کشور مهیا می‌سازد.

**۳- استخراج و بهره‌برداری از منابع معدنی**

افغانستان کشور سرشار از منابع معدنی است، که تا به حال این منابع نواسته سهمی قابل توجه را در رشد اقتصاد ملی داشته باشد. هر چند که تا کنون سروی جامع و تحقیق میدانی از منابع زیر زمینی کشور به دلیل جنگ و ناامنی صورت نگرفته است؛ اما با آن هم بخش‌های از کشور که سروی شده است، نشان می‌دهد، که افغانستان به حیث یک کشور ثروتمند به لحاظ منابع معدنی شناخته می‌شود. این در حالی است، که متأسفانه از این سرمایه‌ی عظیم طبیعی تا به حال استفاده‌ی درست و موثر صورت نگرفته است. بخش‌های از معادن کشور که در حال استخراج است، با انواع از موانع و مشکلات مواجه است. جنگ و ناامنی، فساد

## چرا احزاب سیاسی در افغانستان رشد نمی‌کنند؟

محمد نسیم نظری

احزاب سیاسی به عنوان اصلی‌ترین کانون‌های دموکراسی امروزی، در کشورهای توسعه‌یافته، دارای نقش و اهمیت اساسی بوده و در واقع تعیین‌کننده‌ی ساختار قدرت سیاسی و تشکیل‌دهنده‌ی گفتمان اعمال دموکراتیک می‌باشد. احزاب سیاسی دارای تقسیمات گوناگون بوده که از آن جمله می‌توان به احزاب کدروی و احزاب توده‌ای اشاره کرد. احزاب کدروی بیشتر در پارلمان حضور داشته و دست به ایتلاف‌های پارلمانی می‌زنند؛ این احزاب به علت کوچک‌بودن و عدم پایگاه مستحکم مالی، سیاسی، مردمی و زیر ساخت‌های چون نبود تشکیلات منظم درون حزبی، ضعف در مدیریت و تحلیل مسائل پیرامو، برای رسیدن به اهداف‌شان در پارلمان‌ها، ایتلاف تشکیل می‌دهند. ایتلاف‌های از این نوع، بیشتر دوام‌دار بوده و معمولاً تا آخر عمر پارلمان ادامه می‌یابد. هرچند باید خاطر نشان کرد، که احزاب سیاسی کدروی در کشورهای نیمه توسعه‌یافته و یا توسعه‌نیافته، نقش تعیین‌کننده‌ی ندارند؛ زیرا در این کشورها به علت نوپا بودن نظام سیاسی و بافت‌های دموکراتیک، به احزاب و جریان‌های سیاسی، فرصت‌های تصمیم‌گیری کمتر می‌مها بوده و نقش آن‌ها در حاشیه‌ی گفت‌وگوهای سیاسی قرار دارند. احزاب کدروی چون پایگاه مستحکم اجتماعی ندارند، در بسج افکار عمومی و سیاست‌های کلان، نقش کم‌تر داشته و از قدرت لای‌گری کوچک برخوردار می‌باشند. در مجموع می‌توان گفت که این احزاب بیشتر سیاست را در درون ساختارهای اداری کشور ها جست‌وجو نموده و منابع اطلاعاتی‌شان را نیز از این طریق کامل می‌سازند. چنین احزاب در کشورهای مثل افغانستان که در آن هیچ سازوکاری برای تقویت نهادهای سیاسی و ترویج روحیه‌ی دموکراتیک وجود ندارد، از قدرت و عظمت سیاسی اندک برخوردار بوده و در دراز مدت نمی‌توانند نقش اساسی در تعریف



حکومت باید یک مکانیزم جامع و عملی را جهت استخراج قانونی و استندرد معادن در نظر گرفته و جلو استخراج غیرقانونی و غیرحرفوی معادن را بگیرد. کاهش فساد اداری، تشویق، حمایت و فراهم‌سازی سهولت برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌تواند زمینه را برای استخراج معیاری معادن مهیا سازد. از آن جایی که اکثر معادن کشور در سطح روستاها واقع گردیده است، با بهره‌برداری معادن کشور بخش عظیم نیروی بی‌کار روستایی در مراحل مختلف استخراج معادن صاحب کار می‌گردد.

گسترده‌ی اداری در قراردادهای استخراج غیرقانونی توسط زورگویان و مافیای اقتصادی، عدم استراتژی ملی بهره‌برداری از معادن، از جمله چالش‌های استخراج درست معادن کشور می‌باشد. حکومت باید یک مکانیزم جامع و عملی را جهت استخراج قانونی و استندرد معادن در نظر گرفته و جلو استخراج غیرقانونی و غیرحرفوی معادن را بگیرد. کاهش فساد اداری، تشویق، حمایت و فراهم‌سازی سهولت برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌تواند زمینه را برای استخراج معیاری معادن مهیا سازد. از آن جایی که اکثر معادن کشور در سطح روستاها واقع گردیده است، با بهره‌برداری معادن کشور بخش عظیم نیروی بی‌کار روستایی در مراحل مختلف استخراج معادن صاحب کار می‌گردد.

سیاست، فعالیت ندارند، بلکه فعالیت آن‌ها بر محور روابط رهبری آن و نیز منابع مالی‌شان متمرکز بوده و از اهداف عالی مطرح در نهادهای سیاسی دموکراتیک خبری نیست. با این وجود متأسفانه هنوز بسترهای مناسب نه در درون احزاب و نه در بیرون از آن‌ها شکل نگرفته‌اند، تا به اصل دموکراسی و تمرکز بر قدرت عمومی باور داشته باشند و در تمامی مناسبات رفتاری‌شان آن را اصل و زیر بنایی عملکردهای خویش قرار دهند.



احزاب سیاسی در افغانستان بر مبنای تحقیقات انجام شده، بیشتر در لایه‌های سیاسی فعالیت داشته و نقش قابل ملاحظه در ایجاد قواعد حقوقی ندارند. عمده‌ترین دلیل عدم نقش احزاب، در ساختارهای حقوقی افغانستان، نوع نظام سیاسی حاکم بوده که در آن، پارلمان از مجرای احزاب تشکیل نمی‌گردد، بلکه افرادی وارد پارلمان می‌شوند که امتیازات سیاسی و مردمی هیچ حزب سیاسی را ندارند.

نماید. از این حیث احزاب سیاسی تلاش دارند تا در قوه‌ی مقننه نفوذ داشته و از آن طریق بتوانند به ادامه‌ی سیاست‌های حزبی‌شان با امکانات و منابع مالی-سیاسی، بیشتر بپردازند. احزاب سیاسی در افغانستان بر مبنای تحقیقات انجام شده، بیشتر در لایه‌های سیاسی فعالیت داشته و نقش قابل ملاحظه در ایجاد قواعد حقوقی ندارند. عمده‌ترین دلیل عدم نقش احزاب، در ساختارهای حقوقی افغانستان، نوع نظام سیاسی حاکم بوده که در آن، پارلمان از مجرای احزاب تشکیل نمی‌گردد، بلکه افرادی وارد پارلمان می‌شوند که امتیازات سیاسی و مردمی داشته و گاه عضویت هیچ حزب سیاسی را ندارند. از این حیث، احزاب سیاسی افغانستان به علت نوع نظام سیاسی و عوامل چون نبود برنامه‌های عملیاتی درون تشکیلاتی، فرد محوری، عدم منابع مالی و نبود پشتوانه‌های ایدئولوژیکی، نمی‌توانند در ایجاد قواعد حقوقی نقش اساسی داشته باشند.

احزاب سیاسی فعال در افغانستان بیشتر میراثی و فرد محور می‌باشند. از این حیث، احزاب سیاسی چون در بستر سیاسی ناهموار و بدون دغدغه‌های دموکراتیک رشد و گسترش یافته‌اند، بیشتر به دنبال منافع فردی و تیمی‌شان در مناسبات کلان ملی و سازوکارهای سیاسی می‌باشند. شاید عمده‌ترین چالش احزاب سیاسی ارثی‌بودن آن باشد؛ زیرا احزاب به صورت کلی توسط کسانی مدیریت می‌شود که روابط خویشاوندی با رهبر حزب و یا اعضای ارشد تصمیم‌گیرنده آن‌ها داشته و از توان مالی بیشتر برخوردار باشند. در افغانستان احزاب سیاسی بر اساس ایدئولوژی حزبی و ترویج فکری واحد و فهم متفاوت از مناسبات قدرت

